یادداشت روز

انتخاب با ماست

از روزی که رئیس‌جمهور بلافاصله پس از خروج آمریکا از برجام بر صفحه تلویزیون ظاهر شـــد و اعلام کرد «مهلت کوتاه چند هفته‌ای» به کشورهای اروپایی می‌دهد تا انتخاب کنند بدون حضور آمریکا به تعهدات خود در برجام پایبند بمانند و یا ایران راه دیگری در پیش گیرد؛ بیش از ۱۲۰ هفته می‌گذرد. در ایـــن مدت ایران یک‌طرفه به اکثر تعهدات خود پایبند ماند و تنها با چند گام کوتاه و ناچیز از برخی محدودیت‌های برجامی عدول کرد. اما در آن سو اروپا به تعبیر وزیر خارجه کشـــورمان در ۲۱ آبان ۱۳۹۸ «حتی به یک تعهد خود هم عمل نکرد.» مســـلما یکی از دلایل گستاخی آمریکا برای خروج از برجام و آسوده‌خاطری کشورهای اروپایی در عدم پایبندی به تعهدات‌شان، بازنمایی اظهارات و اقدامات نسنجیده برخی دولتمردان برای مقامات غربی و شـــکل‌گیری این محاسبه غلط در ذهن آنان است که ایران به هر قیمت در برجام می‌ماند. دولتمردان با این اقدام مشـــت خود را باز و دیپلماسی‌شان را خلع سلاح کردند. حالا در موقعیتی جدید ایالات متحده با خوانشی عجیب از قطعنامه ۲۲۳۱ ضمن ارائه نامه‌ای رسمی به شورای امنیت سازمان ملل در ۲۰ آگوست ۲۰۲۰(۳۰ مرداد ۱۳۹۹) مدعی فعال‌سازی «مکانیسم ماشه» به منظور بازگشت قطعنامه‌های تحریمی سازمان ملل شده است. در این خصوص باید تأکید کرد که با وجود تحریم‌های گسترده فعلی که توسط آمریکا و متحدانش اعمال می‌شود، بازگشت تحریم‌های سازمان ملل عملا محدودیت تازه‌ای برای فعالیت‌های اقتصادی ایران ایجاد نخواهد کرد و چندان تأثیرگذار نخواهد بود. در این متن سعی می‌کنیم به این ادعای مقامات آمریکایی و چگونگی اقدام متقابل ایران در برابر زیاده‌خواهی آنها بپردازیم. بدیهی اســـت آنچه گفته می‌شود به معنی تأیید تفسیر و ادعای مقامات آمریکایی نیست بلکه تلاشی برای تشریح مسئله و فهم آن از دریچه نگاه مقامات آمریکایی و البته ساختار معیوب شورای امنیت سازمان ملل است.

ابتدا باید به این نکته توجه داشت طبق بند ۱۰ قطعنامه ۲۲۳۱ نام آمریکا به عنوان یکی از «مشارکت‌کنندگان برجام» ذکر شده است. مقامات آمریکایی ادعا می‌کنند علی‌رغم خروج آنها از برجام همچنان مشمول این تعریف هستند و به عنوان یکی از «مشارکت‌کنندگان» به حساب می‌آیند. این ادعا در حالی است که ایالات متحده با اعلام خروج از برجام رسما به مشارکت خود پایان داده اما اکنون سعی می‌کند ضمن بازی با واژه‌ها، تفسیر حقوقی معوج خود را تحمیل کند. از طرفی طبق همان بند ۱۰ رجوع به ساز و کار حل اختلاف در برجام برای رسیدگی به شکایت یکی از مشارکت‌کنندگان درباره عدم تعهد دیگر کشورها، الزام‌آور نبوده و طرفین نســـبت به این اقدام صرفا تشویق شده‌اند و آمریکا مدعی است شکایت و رسیدگی به آن منحصر در ساز و کار برجام نیست. بر این اساس ایالات متحده بدون مراجعه به ساز و کار حل اختلاف برجام(که طبیعتا به علت خروج از برجام نمی‌تواند از آن استفاده کند) مستقیما گزارش خود مبنی بر نقض عهد یکی از مشارکت‌کنندگان را به شورای امنیت ارائه کرده و طبق شواهد موجود رئیس دوره‌ای این شورا نیز گزارش غیرقانونی آمریکا را ثبت کرده است. در ادامه این روند طبق بند ۱۱ قطعنامه ۲۲۳۱ اعضای شورای امنیت می‌توانند پیش‌نویس قطعنامه‌ای با موضوع «ادامه تعلیق قطعنامه‌های تحریمی» را ارائه و آن را به رأی بگذارند. آمریکا مدعی اســـت چنانچه این قطعنامه در شـــورای امنیت رأی نیاورد قطعنامه‌های تحریمی بازمی‌گردند و چنانچه رأی آورد آمریکا می‌تواند با وتوی آن، باز هم قطعنامه‌های تحریمی را بازگرداند! حال اگر پس از گذشت ۱۰ روز از ثبت گزارش، هیچ کدام از اعضای شـــورای امنیت این پیش‌نویس را ارائه ندادند؛ رئیس شورای امنیت می‌تواند چنین پیش‌نویس قطعنامه‌ای را آماده و به رأی بگذارد و اگر این پیش‌نویس به مدت ۲۰ روز بعد(مجموعا ۳۰ روز پس از ثبت گزارش) نه توسط اعضای شورا و نه توسط ریاست دوره‌ای شورا به رأی گذاشته نشود، با اتمام بازه زمانی مذکور طبق بند ۱۲ قطعنامه ۲۲۳۱، تمامی قطعنامه‌های تحریمی به صورت خودکار بازمی‌گردند. این ساز و کار به همین دلیل «مکانیسم ماشه» نام گرفته چون این فرآیند مثل چکاندن ماشه، برگشت‌پذیر نیست.

اکنون بیایید حالت دیگری را متصور شـــویم و آن اینکه یکی از اعضای شـــورا، پیش‌نویس قطعنامه‌ای ارائه دهد و در آن تفسیر مقامات آمریکا از «مشـــارکت‌کنندگان برجام» و بالتبع اســـتفاده آنها از «مکانیسم ماشه» را مـــردود بداند. آمریکا ادعا می‌کند که در این صورت می‌تواند این قطعنامه را وتو کند. اما ممکن است کشور مذکور برای جلوگیری از وتوی آمریکا خواستار رأی‌گیری آیین‌نامه‌ای شود که به موجب بند ۲ ماده ۲۷ منشور ملل متحد، طی آن تصمیم‌گیری صرفا با ۹ رأی موافق اعضا(بدون وتو) انجام خواهد شد. در این صورت مسلما آمریکا با رأی‌گیری آیین‌نامه‌ای مخالفت خواهد کرد و چنانچه بر سر «نحوه رأی‌گیری» میان اعضای شورای امنیت اختلاف باشد طبق بند ۳ از ماده ۲۷ منشور ملل متحد؛ «نحوه رأی‌گیری» به صورت غیر آیین‌نامه‌ای(با حق وتو) به رأی گذاشته می‌شود. حالا آمریکا در مرتبه اول با استفاده از حق وتوی خود «نحوه رأی‌گیری» را به صورت «غیر آیین‌نامه‌ای» تعیین می‌کند و در مرتبه دوم قطعنامه‌ای که تفسیر آمریکا از «مشارکت‌کنندگان برجام» را مردود می‌داند؛ وتو می‌کند. کاری که آن را اصطلاحا در شورای امنیت «وتوی مضاعف»(Double Veto) می‌نامند. این کار اگرچه مضحک به نظر می‌رسد اما همچون دیگر رویه‌های ناعادلانه شورای امنیت سازمان ملل، قانونی خواهد بود! بر این اساس فعال‌سازی «مکانیسم ماشه» توسط آمریکا تثبیت می‌شود و پس از گذشت دوره زمانی مشخص‌شده در ۳۰ شهریور ۱۳۹۹، قطعنامه‌های تحریمی سازمان ملل مجددا اسنادی معتبر تلقی خواهند شد.(لازم به ذکر است تا امروز هیچ پیش‌نویسی برای مردود شناختن تفسیر آمریکا ارائه نشده است.)

البته باید توجه داشـــت این قطعنامه‌های تحریمی به مراتب سبک‌تر از تحریم‌هایی است که در حال حاضر توسط آمریکا و با همراهی اروپا اعمال شده است. برای مثال تحریم نفتی و روابط بانکی(به عنوان دو مورد از تحریم‌های تأثیرگذار) در قطعنامه‌های سازمان ملل نیامده است. با این حساب بازگشت قطعنامه‌های تحریمی ســـازمان ملل اگرچه ممکن است با مانور رسانه‌ای بار روانی ایجاد کند اما در میدان عمل محدودیت تازه‌ای به فعالیت‌های اقتصادی ایران اضافه نمی‌کند. شاید تنها تفاوت در این میان تحریم تسلیحات متعارف باشد. تحریمی که با رضایت تیم ایران در مذاکرات هسته‌ای، زمان لغو آن به جای روز اجرای برجام با ۵ سال تأخیر به ۲۷ مهرماه ۱۳۹۹ موکول شد و اساسا آمریکا برای جلوگیری از لغو آن، اقدام به فعال‌سازی مکانیسم ماشه کرد.

این احتمال نیز چندان دور از ذهن نیست که پس از بازگشت قطعنامه‌های سازمان ملل در ۳۰ شهریور ۱۳۹۹ اروپا طی بیانیه‌ای اعلام کند چنانچه ایران همچنان به برجام پایبند بماند، با تمهیدی خود را از اجرای قطعنامه‌های تحریمی سازمان ملل معاف خواهد کرد. چنین بیانیه‌ای در صورت صدور، ادامه راهبرد پیشـــین اروپا برای نگه داشتن یک‌طرفه ایران در برجام است. پس از خروج آمریکا از برجام در ۱۸ اردیبهشـــت ۱۳۹۷ آنها پیشنهادی مشابه ارائه کردند اما اروپا پس از گذشت دو سال از وعده‌هایش، علی‌رغم برخی موضع‌گیری‌های سیاسی عملا آمریکا را در اعمال تحریم‌هایش همراهی کرده است تا جایی که وزیر امور خارجه کشورمان ۹ دی ۱۳۹۸ گفت: «کشورهای اروپایی اگرچه از نظر سیاسی عموما از برجام حمایت کرده‌اند اما از نظر عملی اقدامی برای مقابله با تحریم‌های آمریکا و همین‌طور برای اجرای تعهدات خودشان نکرده‌اند.» با این حساب اعتماد به وعده‌های اروپا تنها به اتلاف زمان و تضییع حقوق ملت ایران می‌انجامد.

اما شاید بدترین اتفاق، مخابره این پیام به کشورهای غربی باشد که ایران منتظر نتایج انتخابات آمریکاست. اتفاقی که می‌تواند با پایبندی ایران به برجام پس از ۳۰ شهریور ۱۳۹۹ علی‌رغم همه نقض‌عهدهای صورت‌گرفته از جانب طرف‌های مقابل و اعمال تحریم‌های یکجانبه آمریکا و قطعنامه‌های تحریمی سازمان ملل، رخ دهد. در این صورت اروپا و آمریکا انجام تعهدات معطل‌مانده و نقض‌شـــده خود را با گران‌ترین قیمت به ما خواهند فروخت. چنین اتفاقی مســـتقل از اینکه چه کسی در آمریکا بر صندلی ریاست‌جمهوری بنشیند از هم‌اکنون قابل پیش‌بینی است. دونالد ترامپ پیش‌تر بارها خواستار افزودن مواردی همچون دائمی شدن محدودیت‌های هسته‌ای و مهار توان موشکی و قدرت منطقه‌ای ایران به محدودیت‌های برجامی ایران شده بود. جو بایدن نیز هفته گذشـــته با حضور در لابی صهیونیستی «جی استریت» گفت: «با شرکا و متحدان آمریکا تلاش خواهد کرد که توافق هسته‌ای را قوی‌تر و طولانی‌تر کند تا شامل موضوعاتی چون «فعالیت‌های ثبت‌زدای ایران» در منطقه غرب آسیا نیز شود.» اظهاراتی از این دســـت در کنار سند سیاست‌گذاری حزب دموکرات نشـــان می‌دهد در راهبرد کلان ایـــالات متحده مقابل ایران هیچ تفاوتی میان ترامپ و بایدن نیســـت اگرچه شاید در برخی جزئیات اختلاف نظر باشـــد. بر این اساس منطقی‌ترین اقدام ایران در مواجهه با زیاده‌خواهی آمریکا می‌تواند ارائه تهدیدی معتبر برای حمایت از دیپلماسی باشد. خروج کامل از برجام طی یک یا دو مرحله(با توجه به موعد لغو تحریم تســـلیحاتی در ۲۷ مهر) و با اولویت لغو بازرسی‌ها و کاهش یا قطع همکاری‌های نظارتی، تهدیدی مناسب خواهد بود که می‌تواند به تغییر محاسبات مقامات اروپایی و آمریکایی بینجامد. اقدامی که باید پس از ۳۰ شهریور و قبل از موعد انتخابات آمریکا(۱۳ آبان) صورت پذیرد تا دســـت بالاتر برای تصمیم‌سازی را به ایران بازگرداند و قدرت چانه‌زنی دیپلمات‌های‌مان را افزایش دهد. حالا انتخاب با ماســـت که تجربه تلخ و خسارت‌زای سال ۹۷ را یک بار دیگر تکرار کرده و با فرآیندی کش‌دار تهدید خود را بی‌اعتبار کنیم یا با تغییر رویکرد منفعلانه به راهبردی فعال و کنشگرانه طرف مقابل را به اجرای تعهدات بر زمین مانده‌اش وادار کرده و حقوق ملت ایران را استیفا کنیم.

سید محمدعماد اعرابی

وقاحت تازه تروئیکای اروپا؛ بیش از تعهدات خود در برجام عمل کرده‌ایم!

سرویس سیاسی-

تروئیـــکای اروپایی مدعی شده است که بیش از تعهدات خود، در برجام عمل کرده است! این ادعای مضحـــک در حالی است که طرف اروپایی به هیچ عنوان به تعهـــدات خود عمل نکرده است.

ســـه کشـــور آلمان، انگلیس و فرانســـه بیانیه‌ای مشـــترک درباره نشست اخیر شـــورای حکام آژانس بین‌المللـــی انـــرژی اتمـــی درباره فعالیت‌های راستی‌آزمایی و نظارت بر برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران منتشر کردند.

این ســـه کشـــور در این بیانیه، ضمن تأکید بر تعهد خود برای حفظ و اجرای کامل توافق هسته‌ای ایران، ادعا کردنـــد: «تروئیکای اروپایی به شدت کار کرد تا توافق را حفظ کند. ما بیش از تعهدات خود عمل کردیم تا تجارت مشروع با ایران را تسهیل کنیم که شامل مکانیسم اینستکس نیز می‌شود».

گستاخی طرف اروپایی

تروئیکای اروپایـــی در اقدامی گســـتاخانه با متهم کردن ایران به نقض مداوم الزامات برجام و تضعیف رژیم عدم اشاعه در این توافق، مدعی شدند: «برخی از آن اقدامات، عواقب غیرقابل سنجشـــی دارند. به همین دلیل بود کـــه تروئیکای اروپایی در تاریـــخ چهاردهم ژانویه، مکانیســـم حـــل اختلاف را کلید زد. ما این کار را با حسن نیت و با امید به یافتن راه پیشرفت دیپلماتیک در عین حفظ توافق، انجام دادیم».

به نوشته وبگاه «نمایندگی آلمان در وین» کشورهای آلمان، انگلیس و فرانسه با ابراز نگرانی از اطلاعیه ایران برای نصب سانتریفیوژهای جدید در تاسیسات غنی‌سازی نطنز، گفتند: «این امر، ظرفیت غنی‌ســـازی ایران را افزایـــش داده و از محدودیت‌های برجـــام در این حوزه، تعداد و مکان ســـانتریفیوژها عبـــور می‌کند. ما از ایـــران می‌خواهیـــم از ایـــن گام‌ها اجتناب کند».

در ادامـــه ابـــراز نگرانی‌هـــای بی‌اســـاس این ســـه کشـــور علیه ایـــران آمده اســـت:«ما همچنین از غنی‌ســـازی اورانیوم توســـط ایران بالاتـــر از محدودیـــت ۳/۶۷ درصد در برجام و میـــزان ذخایر اورانیوم غنی‌شده که اکنون ۲۱۰۵ کیلوگرم اســـت، نگران هستیم. این تقریبا ده برابر محدودیت برجام است. برخلاف برجام، ایران همچنین به غنی‌سازی در فردو اقدام می‌کند؛ تاسیســـاتی که هیچ استفاده غیرنظامی موجهی ندارد».

تروئیـــکای اروپایـــی همچنین افزود: «ایـــران به اجـــرای تحقیق و توســـعه دربـــاره انـــواع مختلف ســـانتریفیوژهای پیشرفته که ذیل برجـــام مجاز نیســـتند، اقدام کرده اســـت. گزارش آژانس اتمی نشـــان می‌دهـــد که ایران تدارکاتی را برای نصب سانتریفیوژهای IR۶ و IR۵ بیشـــتر در تاسیســـات غنی‌سازی ســـوخت آزمایشی، در «خط ۱» که قبلاً استفاده نمی‌شـــد، انجام داده اســـت. ایران باید تحقیق و توسعه سانتریفیوژهای پیشرفته که خلاف مفاد برجام است را متوقف کند».

این سه کشور با اشاره به نشست کمیسیون مشترک برجام در تاریخ یکم ســـپتامبر (یازدهم شـــهریور)، توضیـــح دادنـــد: «در آن نشســـت تروئیـــکای اروپایی بر عدم پایبندی ایـــران به تعهدات هســـته‌ای تأکید کردنـــد، امری که برجام را در خطر قرار می‌دهـــد. ما بـــرای مباحثات بیشـــتر در فرآیندهای کمیســـیون مشـــترک [برجام] فشـــار خواهیم آورد. امیدواریم که این شورا [حکام] بتواند پیام واضحی به ایران بفرستد که به عقب برگرداندن تمام اقدامات هســـته‌ای مخالف توافق [هسته‌ای] ضروری است و باید به پایبندی کامل به الزاماتش ذیل برجام بازگردد».

در ادامه این بیانیه آمده اســـت: «همان‌طور که قبلاً گفته شد، ما از خـــروج آمریکا [از برجام] متأســـف هســـتیم. در رابطه با نامه آمریکا به شورای امنیت سازمان ملل در تاریخ بیستم آگوست و ارجاع به رویه‌های ذیل قطعنامـــه ۲۲۳۱، ما یادآوری می‌کنیم که موضع بیان‌شده از سوی وزرای خارجه تروئیکای اروپایی در بیانیه مشترک بیستم آگوست، هنوز هم معتبر است».

کشـــورهای آلمـــان، انگلیس و فرانســـه در پایان ضمن تشـــکر از جدیدتریـــن گـــزارش آژانس اتمی درباره ایران، از اجرای ســـختگیرانه و بی‌طرفانه مأموریت خود در قبال ایران استقبال کردند.

بیانیه وقیحانه بدهکارها

تروئیکای اروپایی مدعی شـــده اســـت که بیش از تعهدات خود، در برجام عمل کرده اســـت! این ادعای مضحـــک در حالی اســـت که طرف اروپایی به هیـــچ عنوان به تعهدات خود عمل نکرده است.

اروپـــا در حالی ژســـت طلبکار بـــه خـــود گرفته کـــه ۱۱ تعهد در برجام داشـــت که خرید نفت ایران و پرداخـــت نقدی پول نفت در کنار برقـــراری مبادلات بانکـــی و مبادله کالاهـــای تحریمی با ایران از جمله آن بود. طرف اروپایی بدون توجه به تعهدات خود، در ابتدا این تعهدات را در کانالی موهوم به نام «اس‌پی‌وی» تقلیل داد و در مرحله بعد، این کانال به کانال پرداخت اینستکس تقلیل پیدا کرد.

اعضـــای اروپایـــی برجام طبق ســـازوکار اینستکس، به هیچ عنوان از ایران نفـــت نمی‌خرند و تبادلات بانکی را نیـــز برقرار نمی‌کنند؛ بلکه صرفاً از طریق ایـــن کانال، در ازای خرید نفت ایران توســـط کشورهای غیراروپایی، به‌جـــای پرداخت پول، در اقدامـــی توهین‌آمیز صرفاً غذا و دارو (اقـــلام غیرتحریمی آمریکا) را در اختیار ایران قرار می‌دهند!

نکته قابل توجه اینجاســـت که اروپا حتـــی همین وعده نســـیه و توهین‌آمیز را هم انجام نداد و آن را موکول به اقدام نقد ایران در اجرای دستورات FATF کرد.

در ســـال‌های گذشته ظریف با اشاره به بی‌دستاوردی برجام گفته بود که مـــا نمی‌توانیـــم حتی یک حساب بانکی در انگلیس باز کنیم. روحانـــی- اردیبهشـــت ۹۷ - گفته بود: «چهار ســـال گذشته می‌رفتیم با گرفتاری فراوان اســـکناس تهیه می‌کردیم در هواپیما می‌گذاشتیم، بیمـــه می‌کردیـــم در فـــرودگاه با ماشین مسلح ارز را در بانک مرکزی می‌آوردیـــم... صبح چند گونی دلار را بـــه صرافی‌ها می‌دادیم، صرافی‌ها هـــم خداوند عاقبت همـــه ما را به خیر کند. چطور تقسیم می‌کردند و به کی می‌دادند. جنس‌هایی هست در میوه‌فروشی وقتی پرتقال می‌آید میوه‌های خـــوب را زیر می‌گذارد و می‌گوید قبلاً فروختم، پرتقال خوب زیر می‌ماند برای از ما بهتران».

محمد جـــواد ظریف، وزیر امور خارجه نیـــز - اســـفند ۹۷- گفته بود: «قبل از برجام نفت بیشـــتری می‌فروختیم».

پس از خـــروج آمریکا از برجام در اردیبهشـــت ۹۷، قـــرار بود اروپا نهایتا ظرف چند هفته درباره اجرای تعهدات برجامی خود و احقاق حقوق برجامـــی ایران تضمین بدهد. ماه‌ها گذشـــت، اروپایی‌هـــا در واکنش به عهدشـــکنی آمریکا به ابراز تأســـف بسنده کرده و در مقابل تأکید کردند که ایران باید بدون هیچ چشمداشتی یک طرفه به تعهدات خود ادامه دهد.

بازی در پازل وقت‌کشی اروپا

دولـــت ۱۲ ماه پـــس از خروج رســـمی آمریکا و خروج عملی اروپا از توافق، در ۱۸ اردیبهشـــت ۹۸ در بیانیـــه‌ای، ضرب‌الاجل ۶۰ روزه‌ای را اعـــلام کرد. یکـــی از نقاط ضعف ضرب‌الاجل این بود که این اقدام با یک سال تاخیر انجام شد.

ضرب‌الاجل ایران در ۵ گام ادامه یافت؛ اما متأســـفانه به‌دلیل رویکرد منفعلانـــه دولت، ایـــن ضرب‌الاجل نتوانســـت به احقاق حقوق برجامی ایران منتهی شود.

دولتمردان به‌جای به‌کارگیری ادبیات طلبکارانه نســـبت به طرف اروپایی، با ادبیاتـــی منفعلانه اعلام کردند که به محـــض آنکه حرکتی از جانب اروپا مشـــاهده شود، ایران بلافاصله ضرب‌الاجل را متوقف کرده و به شـــرایط پیـــش از ضرب‌الاجل برمی‌گردد! بـــرای نمونه، روحانی - شهریور ۹۸ - علی‌رغم سپری شدن ۱۲۰ روز از ضرب‌الاجل برجامی و ۱۶ مـــاه از خروج آمریکا از برجام و ۵۰ ماه از امضای برجام، در جلسه هیئت دولت در اظهارنظـــری تأمل‌برانگیز گفت: «فرصت ۲ ماهه دیگری برای بازگشت به تعهدات، مذاکره و توافق پیش روی اروپاست»!

در طـــول ۵ دوره ضرب‌الاجـــل برجامـــی، روح حاکـــم در اظهارات دولتمردان، ارائـــه تضمین به طرف اروپایـــی بود. اقدامی کـــه به جای ضریـــب دادن بـــه ضرب‌الاجل، از تأثیرگذاری آن می‌کاست.

متأســـفانه کاهش میلی‌متری تعهدات هســـته‌ای از ســـوی دولت و ضرب‌الاجل‌هـــای تکـــراری، پازل وقت‌کشی اروپا و شرطی‌سازی مردم و گره زدن اقتصـــاد به مواردی که اختیار آن از دســـت خودمان خارج اســـت را تکمیل کـــرد و این روند همچنان ادامه دارد.

اروپایی‌هـــا بـــه دفعـــات ثابت کرده‌انـــد که هیـــچ تصمیمی برای اجرای تعهدات برجامی خود ندارند. دولت می‌بایســـت با اقدامی قاطع و متقابل، اجـــرای تعهدات خود ذیل برجام را به‌طور کامل متوقف کند.

خبر ویژه

گفته بودند گشایش اقتصادی اما مردم گرانی را دیدند

یک ماه پس از وعده رئیس‌جمهور درباره گشایش اقتصادی، شاهد افزایش پیاپی قیمت‌ها هستیم!

این مطلب را روزنامه آفتاب یزد منتشر کرده و نوشته است: یک ماه پیش آقای روحانی به دوربین‌های تلویزیونی نگاه کرد و گفت در هفته آینده خبرهای خوشی برای مردم داریم و گشایش اقتصادی را در کشور شاهد خواهیم بود!

در این مدت اما آنچه از گشـــایش دیده‌ایم شامل چه کسانی بوده است! دســـت‌کم ۵ هزار تومان به قیمت ارز اضافه شـــده که این نشان از گشایش اقتصادی برای دولت اســـت چرا که گران شـــدن دلار یکی از راه‌های کسب درآمد دولت به‌شـــمار می‌رود. در این مدت خودروهای داخلی نیز دست‌کم هر کدام بالای ده میلیون گران‌تر شـــده‌اند! این گشـــایش هم به شرکت‌های دولتی ایران خودرو و سایپا می‌رسد!

گشـــایش دیگری که در این مدت شـــاهد بودیم هم شامل سرمایه‌های مردمی می‌شود که وارد بورس شده بود اما به قولی تبخیر شد و شرکت‌های دولتی نیز بی‌نصیب نبوده‌اند! در چنین شـــرایطی برخی اما با سیاه‌نمایی به دنبال القای این هستند که وعده گشایش اقتصادی روحانی انجام نشد! این در حالی است که گشایش اقتصادی وعده‌ای بود که اتفاقا اجرایی شد و درآمدهای آن نیز همچنان برای دولت ادامه دارد! اما شـــاید پرسیده شود سهم مردم از این گشایش اقتصادی چیست؟ به نظر می‌رسد از ابتدا نیز قرار بر این نبوده که گشایش اقتصادی شامل حال مردم شود!

چشم! قیمت خودرو را هم ما مردم اصلاح می‌کنیم

«رئیس‌جمهور گفته است که باید نحوه خرید و فروش خودرو اصلاح شود. چشـــم، آقای رئیس‌جمهور! ما مردم همین امروز دستور می‌دهیم تا سیستم دچار تحول شود و دست واسطه‌ها از بازار قطع شود».

ســـایت عصر ایران از ســـایت‌های حامی دولت، ضمن انتشار مطلب فوق نوشـــت: کاش زودتر گفته بودید تا ما شـــاهد این بلبشـــو در بـــازار نبودیم! نمی‌دانم چرا مســـئولان با ما مردم این همه تعارف دارند. واقعا هر مشـــکلی هســـت بگوییـــد تا ما با جان و دل آن را حل کنیـــم. به دور از مطایبه، آقای رئیس‌جمهور شـــما باید در سخنرانی‌های خود از فعل گذشته استفاده کنید. به طور مثال باید بفرمایید، نحوه خرید و فروش خودرو اصلاح شد، نه اینکه بگویید اصلاح شـــود. چه کســـی باید این اصلاح را انجام دهد؟ خود شما و وزارت صمت تان. تازه وزارت‌خانه‌ای که وزیر ندارد و سرپرست نمی‌تواند برای آن تصمیمات کلان بگیرد.

نویســـنده ادامـــه می‌دهد: این روزها مردم فقط منتظـــر خبرهایی از باز شدن گره‌های زندگی‌شان هستند. می‌خواهند شما را ببینند وقتی می‌گویید که قیمت دلار ثابت شـــد یا دیگر شـــاهد گران شدن قیمت خودرو نخواهیم بود. دیگر زمان وعده دادن گذشته است. هنوز وعده‌های ۹۶ مثل ناقوس در گوش‌مان زنگ می‌زند. هنوز مردم منتظر گشایش اقتصادی هستند. گشایشی که البته گویا منتفی شد و معلوم نیست چرا رئیس‌جمهور وعده کاری را داد که هنوز نهایی نشده بود.

به خدا که شـــما مســـئول هستید نه ما مردم. شـــما باید کارها را انجام دهید. مردم، مدیران را برای چه انتخاب می‌کنند؟ برای اینکه مشـــکلات را حل کنند و کشـــور را در مســـیر توسعه قرار بدهند. مثلا وقتی هوای شهری آلوده است، مسئولین باید فکری به حال آن کنند. وقتی گرانی از در و دیوار بـــالا می‌رود باید فکری به حـــال آن کنند. وقتی بیکاری تبدیل به مهم‌ترین دغدغه خانواده‌ها شده است، فکری به حال آن کنند. اما گویا برخی مدیران انتخاب می‌شوند که حرف بزنند و مثل مردم غُربزنند. از ناکارآمدی‌ها بنالند و مشکلات را به گردن دیگری بیندازند. ما از مسئولین نمی‌خواهیم از مشکلات بگویند. ما می‌خواهیم آنها گرفتاری‌های مردم را حل کنند. اگر قرار به حرف زدن بـــود مـــا بهتر از آنها حرف و غُر می‌زنیم. ما دچار مدیرانی شـــده‌ایم که جای مردم را گرفته‌اند.

یادآور می‌شود این هفتمین یا هشتمین بار است که رئیس‌جمهور دستور اصلاح و مهار قیمت در بازار خودرو و مسکن را می‌دهد.

حمایت اکثریت مردم فرانسه از احیای مجازات اعدام

اکثریت مردم فرانسه از احیای مجازات اعدام حمایت می‌کنند.

طبق نظرســـنجی موسسه افکارسنجی «ایپسوس / سوپرا استرایا» که به ســـفارش روزنامه لوموند انجام شده، اکثریت شهروندان فرانسوی از بازگشت مجازات اعدام حمایت می‌کنند. بر اساس این نظرسنجی که اخیرا انجام شده، میزان حمایت از بازگشت مجازات اعدام به ۵۵ درصد رسیده و این در حالی است که یک سال قبل، ۴۴ درصد مردم از مجازات اعدام پشتیبانی می‌کردند.

۸۵ درصـــد هواداران طیف جمهوری‌خـــواه و ۷۱ درصد طرفداران جبهه ملی به‌طور عمده با این ایده موافق هستند.

در حالی که ۶۸ درصد قشـــر کارگری، ۶۰ درصد کارمندان و ۵۵ درصد بازنشستگان فرانسوی با این ایده موافق هستند، این رقم در بین مدیران ۴۱ درصد و صاحبان مشاغل متوسط ۴۰ درصد است.

طبق این نظرســـنجی، حدود ۸۲ درصد مردم فرانسه معتقدند که کشور برای دســـتیابی به نظم واقعی در این کشـــور نیازمند یک رهبر واقعی است. این رقم نسبت به سال گذشته ۳ درصد افزایش دارد.

آن همه هیاهوی بیهوده درباره طرح گشایش اقتصادی برای چه بود؟

یک روزنامه حامی دولت تأکید کرد ادعای «طرح گشـــایش اقتصادی»، ادعایی پرحاشیه و بی‌فایده بود.

روزنامه اعتماد نوشـــت: طرح پر سر و صدای «گشایش اقتصادی»، بدون آنکه به روشـــنی مشخص شود که چه چیزی بود و چرا مطرح شد، از دستور کار دولت روحانی خارج شد؛ آن‌هم تقریبا ۱۰ ماه مانده به پایان دولت روحانی و بعد از یک ماه حرف و اظهارنظر و تایید و تکذیب و سخنان پراکنده، بدون آنکه حتی یک صفحـــه برنامه «اقتصادی» و مورد تایید روی خروجی اخبار قرار بگیرد. ســـرانجام این طرح نیز درســـت مانند دلار ۴۲۰۰ تومانی شد که ۲۱ فروردین ماه ۱۳۹۷ به یک‌باره توســـط معـــاون اول رئیس‌جمهور، آقای جهانگیری «اعلام عمومی» شـــد و اکنون پس از گذشت نزدیک به ۳۰ ماه، به بن‌بســـت خورده و چیزی جز «خالی شدن دست بانک مرکزی» به دنبال نداشت. این‌بار هم آقای جهانگیری در قالب «سخنگو» حاضر شد که این خبر را اعلام کند و بگوید: «خبری از گشایش اقتصادی نیست.»

از پانزدهم مرداد سال جاری که آقای روحانی موضوع «گشایش اقتصادی» را مطرح کرد تاکنون، صدها مصاحبه و اظهارنظر و خبر ضد و نقیض درباره این موضوع منتشر شد. اما هیچ‌یک از این اظهارات به روشنی مشخص نمی‌کرد که اصلا این گشایش اقتصادی چه بوده و قرار است چه مکانیزمی اجرا شود. فقط از برایند حرف‌ها این‌طور برمی‌آمد که گشـــایش اقتصادی «پیش‌فروش نفت خام به مردم است.» سیل مخالفت‌ها با این طرح، از همان روز اول آغاز شد.

اعتماد با پرحاشـــیه و بی‌فایده خوانـــدن طرح مذکور می‌افزاید: از زمان اعلام عمومی خبر اولیه طرح «فروش اوراق نفتی» مشخص بود که این طرح چیز جدیدی نیست و پیش از این و در سال ۹۱ نیز دولت وقت، همزمان با تشدید تحریم‌ها علیه بانک مرکزی، این طرح را در سال آخر ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد (درســـت مانند دولت روحانی) عنـــوان کرد و البته مانند همین «گشایش اقتصادی» هرگز اجرایی نشد. ضمن اینکه اصولا فروش اوراق سلف نفتی، چیز «بدیع» و «تازه‌ای» نبود و نیســـت و حتی آیین‌نامه فروش نفت در این ساختار نیز در سال‌های گذشته تدوین شده بود. با این حال مشخص نیست که در ۴۰ روز گذشته، تیم اقتصادی دولت، با هیاهوی بسیار به دنبال عرضه چه چیزی بودند؟

آفتاب یزد: گشتیم اما طرح گشایش اقتصادی را نیافتیم

روزنامـــه اصلاح‌طلب حامی دولت می‌گوید: دولت به جای تدابیر کاغذی روی طرح‌های کاغذی مانور می‌دهد.

آفتاب یزد نوشت: بعدِ ۳۰ روز خبر و مصاحبه و تحلیل و تاکید و تکذیب؛ «از دســـتورِ کار خارج شدن فروش اوراق سلفی نفت» نیز مثل «دلارِ ۴۲۰۰ تومانی» سهم «اسحاق جهانگیری» شد.

از حدود ۳۰ روز قبل که از «طرح گشـــایش اقتصادی» گفتند تا بعد که از «طرح فروش اوراق ســـلفی نفت» ســـخن به میان آوردند تا بعد که سخن به «حمایت از بورس» رســـید و «مردم» که باید با خیالی «آسوده» امیدوار باشند که دولت هوای آن‌ها را دارد معلوم بود که «فروش اوراق سلف نفتی، گشایشی برای مردم» به‌دنبال نخواهد داشت.

کمی بعدتر اوراق سلف نفتی نیز به ماجرای طرح گشایش اقتصادی اضافه شد در کنار آن «وام‌های ودیعه مسکن» که حالا خودِ آن هم معضلی شده است برای مردم. طرح گشایش اقتصادی همانی است که یک کارشناس اقتصادی به آفتاب یزد گفته بود: «اطلاع موثق دارم که این طرح، ارائه شـــده از سوی کسی است که هیچ‌گونه دانش اقتصادی ندارد و صرفاً چون مدت زمان طولانی در بخش‌های مدیریتی فعال بوده به خود اجازه داده تا از طرحی ســـخن به میان بیاورد که می‌خواسته «گشایش» ایجاد کند و اما گشایش که ایجاد نشد هیچ، تنگناهای موجود نیز رو به فزونی نهاد. اگرچه اسحاق جهانگیری گفته اســـت که «طرح فروش اوراق سلف نفتی» از دستور کار خارج شده است اما با مراجعه به مصاحبه‌های پُرتعداد و رنگارنگ(!) متوجه خواهیم شد که اساساً طرحی در دستورکار قرار نگرفته که خواسته باشد از دستور کار خارج شود.

گفت و شنود

خُمره طلا!

گفـــت: ترامپ در ملاقات عبـــدالله بن‌زاید وزیر خارجه امارات گفته است؛ من خودم خواسته‌ام مذاکره با ایران به بعد از انتخابات موکول شود!

گفتم: مردک بعد از خروج از برجام تاکنون نزدیک به ۲۰ بار درخواست مذاکره با ایران را مطرح کرده و ایران محلش نگذاشته. حالا پیش کشور فسقلی امارات قمپز در می‌کنه که من چنین و چنانم!

گفـــت: خُب؛ حیوونکی چاره‌ای نداره! بارها از ایران ضربه‌های ســـخت دریافت کرده حالا مجبـــوره آرزوهای برباد رفته‌اش را به خبر تبدیل کنه!

گفتم: یارو می‌گفت؛ خواب دیدم گنج پیدا کرده‌ام. یک خمره بزرگ پر از سکه‌های طلا! روی دوشم گذاشتم و راه افتادم ولی خیلی ســـنگین بود و از شدت سنگینی وضعم خراب شد. بیدار که شدم دیدم نصف خوابم تعبیر شده!... البته از خمره طلا خبری نبود ولی...!

نکته

ترامپ و دنده‌های صدمن یک غاز!

ماجرایی که در پی می‌آید را چند سال قبل به مناسبتی در یکی از یادداشت‌های کیهان آورده بودیم:

**«خدا رحمت